

وېره نامه

روز یاد بود

جانباختگان شعله‌ی و ماونست افغانستان در اتریش

۷ قوس ۱۳۹۴ (۲۸ نومبر ۲۰۱۵)

هواداران حزب کمونست (ماونست) افغانستان (اتریش)

و

اتحادیه پناهندگان ملی و دموکراتیک افغانهای مقیم اتریش (حریت)

گزارش مختصر محفل هفتم قوس ۱۳۹۴

ویانا - اتریش



محفل روز جانباختگان جنبش دموکراتیک نوین افغانستان به تاریخ هفتم قوس ۱۳۹۴ خ مصادف با ۲۷ نوامبر ۲۰۱۵ در اتریش برگزار گردید. درین محفل ۴۰ نفر شرکت کرده بودند. مصارف کلی این محفل مبلغ ۳۲۰ یورو شد. صحن سالن با استیژ استاد اکرم یاری و میز خطابه که در پیش روی، قرار داشت تنظیم شده بود.

محفل با افتتاحیه توسط یک تن از رفقا شروع گردید و پس از تشکر از حضور افراد

ملی مترقی، وطن پرست، انقلابی و مذهبی‌ای که جهت اشتراک در محفل تجمع نموده بودند، با پخش سرود انترناسیونال به کار خود آغاز کرد. تمامی شرکت کنندگان محفل به احترام سرود انترناسیونال به پا خاستند. پس از پخش سرود انترناسیونال مختصر معلوماتی در مورد محافل ۱۳ میزان سال جاری توسط انانسر برنامه ارائه شد و در مورد محفل ۷ قوس نیز صحبت به عمل آمد. پس از آن به یاد قربانیان کشتار خلق و پرچم و در پیشاپیش آن‌ها زنده یاد اکرم یاری، بنیان‌گذار و رهبر س‌ج‌م و رفقای هم‌زمش که توسط دارودسته رژیم مزدور و دست‌نشانده خلق و پرچم در دهه‌های پنجاه و شصت خورشیدی به‌قتل رسیده‌اند، لحظه‌ای با مشت‌های گره کرده تمامی حضار شرکت کننده به پا خاستند و یک دقیقه سکوت اختیار نمودند. سپس با پخش آهنگ «تمنا» ساخته پرویز مشکاتیان برنامه ادامه یافت.

پس از آن رفیق ... از طرف سازمان انقلابی اتریش به ایراد سخن پرداخت که با تشویق حضار همراه گردید. پس از آن نوبت به رفیق رسید که پیام «اتحادیه پناهندگان ملی و دموکرات افغان‌های مقیم اتریش (حریت)» را بخوانش گرفت. سپس خانم یک تن از هواداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان شعری را زمزمه نمود که با تشویق حضار همراه بود.

پس از آن رفیق فعالین چپ ایرانی در وین سخنرانی نمود که پیام و احساس همبستگی مبارزاتی شان را در میان گذاشتند.

پس از دکلمه ای که توسط انانسر برنامه خوانده شد، نوبت به متن پیام رفیق " انور " یک تن از هواداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان مقیم استرالیا رسید که توسط رفیق خوانده شد.

طبق وعده داده شده قرار بود تا کسانی از جبهه ملی دموکراتیک فلیپین و حلقه انقلابی امریکای لاتین درین محفل حضور به هم رسانند اما متأسفانه بناء به معذوراتی رسیده نتوانستند، بناء ادامه محفل برای یک ساعت با موسیقی همراه بود که گروه هنری با اجرای موسیقی های ناب و انقلابی محفل را پیش بردند و سپس وعده نان فرار رسید و پس از صرف طعام محفل با خوشی و شور ذایداالوصفی ساعت ۱۲ شب خاتمه یافت.

ناگفته نماند که مسئولیت مقاله‌های خوانده شده در محفل، به دوش امضاکنندگان تشکلات مربوطه است و ما در قبال آن مسئول نستیم.

«کمیته برگزاری هفت قوس، هواداران ح ک (م) ا در اتریش»

۷ قوس ۱۳۹۴ خ

افتتاحیه محفل توسط انانسر بر نامه

تو شاهینی قفس بشکن به پرواز آ و مستی کن
که بر آزادگان داغ اسارت سخت ننگین است

سی و شش سال از جان باختن زنده یاد اکرم یاری، رهبر و مؤسس سازمان جوانان مترقی افغانستان می‌گذرد. یاری و سایر هم‌زمان انقلابی‌اش در هفتم قوس (آذر) سال ۱۳۵۷ توسط دسته خلق و پرچم حزب دموکراتیک خلق افغانستان، حزب ریویزیونیست و دشمن قسم خورده پرولتاریا و توده‌های کشور به قتل رسیدند. هویداست که دهه پنجاه و شصت خورشیدی، دهه کشتار فعالان و کادرهای برجسته جنبش مائوئیستی کشور بود. در طی این دو دهه، علاوه بر جنایات هولناک جنای خلق و پرچم، اخوانی‌های مرتجع نیز از کشتار و اذیت و آزار در حق رفقای ما دریغ نورزیدند.

بدین مناسبت از سال ۱۳۹۲ خورشیدی به این طرف، هفتم قوس به نام روز جانباختگان جنبش مائوئیستی کشور مسماء گردیده است و از طرف رهروان و پویندگان راه جنبش کمونیستی مائوئیستی افغانستان به ویژه ح ک (م) ا و هوداران آن چه در داخل و چه در خارج کشور از آن تجلیل به عمل می‌آید.

بنابر این ما هوداران ح ک (م) ا و اعضای اتحادیه پناهندگان ملی و دموکرات افغان‌های مقیم اتریش (حریت) امروز محفلی را به مناسبت روز جانباختگان جنبش کمونیستی مائوئیستی کشور در شهر ویانای اتریش برگزار کرده‌ایم. این برنامه شامل موسیقی، شعر خوانی و سخنرانی رفقای داخلی و بین‌المللی می‌باشد.

در ضمن جا دارد که از شرکت شما افراد ملی مترقی، وطن پرست، انقلابی و مذهبی‌ای که در اینجا حضور دارید، قدردانی کنیم. به هر حال شرکت شما در این مخفل باعث خرسندی ما و نیز تقویت روحیه مبارزاتی برای رهایی کشور به خون خفته‌مان خواهد شد.

مهمانان گرامی محفل خود را با پخش سرود انترناسیونال، سرود طبقه کارگر آغاز می کنیم.

*** [پخش سرود انترناسیونال] ***

جوشیده خاطر ما را برده به جنگ مرگ و زندگی	برخیز ای داغ لعنت خورده دنیای فقر و بندگی
و آنگه نوین جهانی سازیم هیچ بودگان هرچیز گردند	باید از ریشه براندازیم کهنه جهان جور و بند
انترناسیونال است نجات انسانها	روز قطعی جدال است آخرین رزم ما
با دست خود گیریم آزادی در پیکارهای بی امان	بر ما نبخشند فتح و شادی خدا، نه شه نه قهرمان
دمیم آتش را و بکویم تا وقتیکه آهن گرم است	تا ظلم از عالم برویم نعمت خود آریم به کف
انترناسیونال است نجات انسانها	روز قطعی جدال است آخرین رزم ما
داریم حقوق جهانبانی نه که خونخواران غدار	تنها ما توده جهانی، اردوی بیشمار کار
در این عالم بر ما سراسر تابد خورشید نور افشان	گرد وقتی رعد مرگ آور بر رهنزان و دژخیمان
انترناسیونال است نجات انسانها	روز قطعی جدال است آخرین رزم ما

حضار محترم!

باید به سمع شما برسانم اینکه امسال در سیزدهم میزان (مهر) سال ۱۳۹۴ خ که مطابق با پنجم اکتوبر ۲۰۱۵ میلادی بود از پنجاهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان جوانان مترقی افغانستان، یگانه سازمان کمونیستی مائوئیستی کشور که در ۱۳ میزان ۱۳۴۴ خ تأسیس شده بود، تجلیل به عمل آوردیم.

باید تذکر داد اینکه قبل از به وجود آمدن سازمان جوانان مترقی افغانستان، کدام سازمان یا تشکلی را که با راهنمایی مارکسیزم-لنینیسم-مائوئیسم، علم و ایدئولوژی رهایی بخش پرولتاریا یا طبقه کارگر کشور گره خورده باشد در تاریخ افغانستان، سراغ نداریم. این سازمان صدای برحق کارگران، زحمتکشان و توده های رنج دیده کشور را بلند نمود و برای رهایی آنها دست به مبارزه فعال ایدئولوژیک-سیاسی و علمی زد و با تکیه به علم رهایی بخش کمونیستی، راه بیرون رفت و براندازی و نابودی نظام حاکم را شجاعانه نشانه

گرفت و در صدد ایجاد نظام عاری از ستم، استثمار و استعمار بر آمد و نظام سوسیالیستی و کمونیستی را در جامعه تبلیغ می کرد.

آری این افتخار بزرگ ما از سازمان جوانان مترقی است که به مثابه سازمان دولت ستیز و نظام ستیز در آن وقت، اساس و سنگ بنای مبارزه کمونیستی را در افغانستان گذاشت و تا به حال این میراث بزرگ نظام ستیزی و دولت ستیزی علیه حکومت های گذشته و حال، شالوده فکری تمام کمونیست های واقعی کشور است. تا وقتی که نظام حاکم مبتی بر مالیکیت خصوصی از بین نرود، از این دولت ستیزی دست بر نخواهیم کشید.

لازم به یادآوری است که همزمان با کار و پیکار س ج م، حزب دموکراتیک خلق افغانستان که شامل جنای خلق و پرچم بود و به عنوان حزب رقیب علیه س ج م عمل می کرد، در پارلمان حکومت داودخانی خزیده بود و با آن همکار، همیار و هم صدا بود. این حزب به مثابه حزب ریویزیونیست یا تجدیدنظرطلب و کمونیست ستیز دور از درک واقعیت عینی زندگی دردناک توده ها، کارگران و زحمتکشان در فعالیت های پارلمانتاریستی غرق در باده مستی و خودپرستی بود.

گفتنی است که سران خلقی و پرچمی نظر به دستور باداران سوسیال امپریالیستی شان به تاریخ ۷ ثور (اردی بهشت) مطابق با ۲۷ اپریل ۱۹۷۸ علیه حکومت داودخان دست به کودتا نظامی زدند و او را سرنگون کردند و بعد این کودتا را به نام انقلاب جار زدند تا خود را در نزد مردم کشور و جهان انقلابی معرفی کنند.

بلی عجب انقلابی است که بدون آگاهی دادن توده ها یک شبه از درون پارلمان نظام نیمه فئودالی و نیمه مستعمراتی داودخانی سماروق گونه سر در آورد و تا جائی که معلوم است بعضی از اعضای آن برای اولین بار بعد از سقوط حکومت داودخانی از طریق رادیو کابل مطلع شدند که انقلابی به وقوع پیوسته است. بعداً سران رژیم کودتاگر با طرح و صدور فرمان های فوق العاده شان به اصلاحات سطحی ارضی دست زدند که پرداختن به آن خارج از موضوع امروزی ماست.

روی همرفته، از اینکه مردم آمادگی ذهنی برای انقلاب خود به راه انداخته آن ها نداشتند،

علیه‌شان دست به‌شورش زدند. این خود مبین این اصل است که اگر انقلابی از بالا به‌طرف پایین صورت گیرد اصلاً به‌درد توده‌ها، کارگران و زحمتکشان نمی‌خورد. در واقع تا زمانی که خود توده‌ها به‌حیث تاریخ‌سازان واقعی به‌حرکت نیفتند و مستقیماً در تغییر سرنوشت خودشان شرکت نکنند، درد آن‌ها ابداً مداوا نخواهد شد.

به‌هر حال این نو به‌قدرت‌رسیدگان بعداً به‌سراغ رقیب سیاسی‌شان یعنی س‌م‌ج‌ا رفتند و به‌قتل عام، شکنجه، ترور و اذیت‌وازار آن‌ها که به‌نام شعله‌یی معروف بودند، دست زدند، زیرا این نیروی سیاسی بیشتر از نیروهای اخوانی به‌ضرر منافع سران رژیم جدید و باداران روسی‌شان عمل می‌کرد.

برعلاوه، خلقی‌ها و پرچمی‌ها سایر افراد ملی، مذهبی و وطن‌پرست را که منتقد حکومت ترور و دهشت آن‌ها بودند از دم تیغ گذشتاندند، کشور را ویران کردند، باعث مهاجرت، بی‌جاشدن و معلولیت جسمی و روحی صدها هزار هموطن ما شدند. در نتیجه خلقی‌ها و پرچمی‌ها تا در توان داشتند به‌ساز سوسیال‌امپریالیزم اشغالگر شوروی رقصیدند.

بعداً که حکومت خلق‌وپرچم در سال ۱۳۷۱خ سقوط کرد، اعضای آن نظر به‌تعلقات ملیتی و مذهبی‌شان به‌درون احزاب مرتجع جهادی غلطیدند و جذب قدرت احزاب جهادی ارتجاعی شدند و این بار در جنگ‌های خانمان‌سوز جهادی‌های دست‌پرونده امپریالیزم غرب، خون مردم بی‌گناه کشور را همه باهم یکجا ریختاندند.

بعد از سقوط دولت مجاهدین به‌دست طالبان، سران شوونیست خلق‌وپرچم بار دیگر در حکومت قرون وسطایی طالبان به‌خدمت در آمدند و لباس دیگری به‌تن کردند.

سرانجام زمانی که حکومت طالبان در هفتم اکتوبر سال ۲۰۰۱ توسط امریکا و متحدین آن سقوط داده شد، این بار سران خلق‌وپرچم همراه با مجاهدین جزء سپاه رزمنده ۴۶ کشور اشغالگر امپریالیستی شدند و با ایجاد احزاب ثبت‌شده دولتی در دولت دست‌نشاده حامد کرزی بی‌شرمانه به خدمت مشغول شدند. همین حالا نیز در درون پارلمان عین‌وغین با سایر وطن‌فروشان و تسلیم‌طلبان سابقاً شعله‌یی، جنگ‌سالاران و جنایت‌کاران جهادی و سایر خائنین ملی برای وطن‌فروشی، تحقیر و توهین مردم و نابودی سرزمین و

چوروچپاول منابع و دار و ندار مردم افغانستان در خدمت به دشمنان عمده مردم کشور کمر حمت بسته‌اند و همه باهم در مقام دشمن عمده مردم ما مذبوهانه عمل می‌کنند.

روی هم‌رفته این جانیان که دیروز برای دوستی افغان شوروی گلو پاره می‌کردند، امروز برای پیاده کردن دموکراسی غربی و تأمین منافع اشغالگران کنونی بی‌شرمانه از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزند و با این خوش‌خدمتی و چاکرمنشی، نقش ضد مردمی و ضد کمونیستی خود را بیش از پیش به‌نمایش می‌گذارند.

از آن گذشته، جالب این اینجاست که عده‌ای کثیری از تحصیل‌کردگان و روشنفکران مزدبگیر وطنی نیز غیرمسئولانه و بدون تحقیق از مسایل اقتصادی، سیاسی و فلسفی سوسیالیسم علمی از دار و دسته خلق و پرچم به‌حیث کمونیست یاد می‌کنند و به ساز کمونیست‌ستیزانه سرمایه‌داری آگاهانه و ناآگاهانه می‌رقصند تا مگر چند صباحی از نعمت خوان سرمایه‌داری بی‌نصیب نمانند. لازم است برای این عده زوزه‌کشان مزدبگیر چنین خاطر نشان ساخت که:

تفاوت از زمین تا آسمان است

میان ماه من تا ماه گردون

حضار محترم!

در رابطه با جنایت رژیم خلق و پرچم و هم‌قماشان آن هر قدر بیشتر گپ بزنیم، در واقع کمتر گفته‌ایم.

گذشته از این باید گفت که مردم جهان امروز در بدترین شرایط، زندگی می‌کنند. جنگ‌های سازماندهی شده امپریالیست‌ها در افغانستان، عراق، لیبی، سوریه، یمن و دیگر کشورها باعث قتل و کشتار هزاران هزار انسان بی‌دفاع و آوارگی صدها هزار دیگر و چوروچپاول همه داروندار توده‌های ستمدیده و تخریب محیط زیست آن‌ها شده‌است تا حدی که حیات کره زمین نیز به‌خطر افتاده‌است.

بنابر آن باید از خود پرسید که چه باید کرد؟ آیا باید دید و نظاره کرد یا دید و با جهت‌گیری انقلابی سوسیالیستی به مبارزه فعال سیاسی-ایدئولوژیک دست زد تا جهان و مردم آن

را به رهبری طبقه کارگر نجات داد و نظم نوین ایجاد کرد که همه در صلح و صفا و دور از هرگونه تبعیض زندگی کنند. از نظر ما این بهترین و یگانه ترین راهی ممکن است.

پس باید گفت که جهان به نجات دهنده‌ای ضرورت دارد. این نجات دهنده جهان در آسمان نیست، بلکه در روی زمین است زیرا که:

ماییم که از پادشاهان باج گرفتیم

زان پس که از ایشان کمر و تاج گرفتیم

دیهم و سریر از گهر و عاج گرفتیم

اموال و ذخایرشان همه تاراج گرفتیم

وز بیکرشان دیبه دیباج گرفتیم

ماییم که از دریا امواج گرفتیم

و اندیشه نکرديم ز طوفان و ز تیار

از این رو لازم است برای تغییر سرنوشت خود، با آگاهی انقلابی سراغ این نظام موجود نکبت بار رفت و دروازه‌های گردانندگان سیاست آن را تک تک زد و آن‌ها را از اریکه قدرت به زیر آورد و با نظام سوسیالیستی که یگانه راه نجات جهان و جهانیان است، درد توده‌ها را درمان کرد، در غیر آن بربریت سرمایه‌داری همه ما را بیشتر از این خردوخیمر خواهد کرد.

برعلاوه، مذهبی که امروز سرمایه‌داری از آن به عنوان ابزار برای سرکوب توده‌ها در قالب داعش و غیره استفاد می‌کند، باید جزء امر شخصی و عقیدوی افراد جامعه باشد، نه راهنمای افکار سیاسی و علمی جامعه. مذاهب نارضایتی مردم جهان را دوا نمی‌تواند، بلکه بر سر آن سرپوش می‌گذارد و فرد ناراض را به خواب گران فرو می‌برد؛ عمل و قوه تغییر و

تحول را در وجود فرد و جمع منفعل می‌کند. باید فراسوی مذاهب رفت و آگاهی‌مان را از کارکرد سیاسی-اقتصادی نظام حاکم و طرفندهای آن که دست‌وپای ما را بسته‌است، بالا ببریم تا خود را از زنجیر آن برهانیم.

در نتیجه اگر سرنوشت خود را با انقلابات سوسیالیستی در دست نگیریم، روز ما از این کرده بدتر و بدتر خواهد شد و زندگی و تمام آرزوی‌های ما بر باد خواهد رفت. بالاخره فقط منتظر بدترین شرایطی خواهیم بود نه زندگی بهتر.

در ضمن، آن ناکسان روشنفکری که زندگی بهتر را فقط در سایه نظام سرمایه‌داری، تبلیغ و ترویج می‌کنند و دیگران را نیز با آن تشویق و نوازش می‌کنند باید بدانند که:

نوازش‌های ناکس عاقبت آفت بود ای دل!

گشود آخر همان بادی که سازد زنده آتش را

خوب برگردیم به اصل موضوع؛ چون سران خلق‌پرچم بزرگترین جنایت تاریخی را در حق کمونیست‌های مائوئیست و مردم افغانستان مرتکب شده‌اند، آیا باید اکنون محاکمه شوند؟

زیرا در این اواخر عده‌ای از شعله‌ی‌های تسلیم‌طلب که حالا در دولت‌دست‌نشانده، در زیر سایه اشغالگران زندگی می‌کنند، سروصدای دادخواهی و عدالت را برای جانباختگان بلند کرده‌اند.

از دید انقلابی، عدالت و دادخواهی از رژیم ضد‌مردمی، دست‌نشانده و بادران اشغالگر آن از یک‌طرف خطای تاریخی و از طرف دیگر خیانت در حق جانباختگان ماست. پیام ما به این ساده‌اندیشان، خودفروختگان و وجدان‌باختگان این است که از جنایت‌کاران، وطن‌فروشان، خائنان و اشغالگران که دشمن عمده مردم ما هستند عدالت و دادخواهی نطلبند، از جنایت‌کار نخواهند که جنایت‌کار دیگر را محاکمه کنند، بلکه علیه آن‌ها قیام مسلحانه و مردمی کنند. ما این دادخواهی را کاملاً محکوم می‌کنیم و برای آن‌ها بزرگترین ننگ تاریخی می‌دانیم آله دست امپریالیزم در دولت دست‌نشانده شده‌اند و برای تحکیم این نظام خوش‌خدمتی می‌کنند.

از نظر ما دادگاه کاملاً متفاوت و انقلابی حق دادخواهی خونخواهی رفقای جانباخته را دارد، دادگاهی که توده‌ها خود در اجرای این محاکمه سهم فعال و جهت‌دار سوسیالیستی داشته‌باشند، نه دولت‌مردان دست‌نشانده کنونی و باداران اشغالگر آن که دست‌شان تا آرنج در خون خلق ما غرق اند.

از این رو لازم است که رسالت تاریخی خود را در قبال علت مرگ رفقا و عاملان قتل آن‌ها درک کرد و از مرگ رهبران، پیشگامان و رفقای هم‌مرز‌شان سبک‌سرانه نگذریم، زیرا مرگ آن‌ها سنگین است و کاملاً به‌جاست که زنده‌یاد رستاخیز از درون زندان دهم‌زنگ فریاد می‌زد که:

از اینجا از دل تاریک این زندان دردا نگین

شکستم این سکوت تلخ

تا بار دگر خوانم

که مرگ ما پر قونیست

کوه است و گران‌سنگ است

بناء امروز به‌یاد قربانیان کشتار خلق‌وپرچم و در پیشاپیش آن‌ها زنده‌یاد اکرم یاری، بنیان‌گذار و رهبر س‌ج‌م و رفقای هم‌مرز‌مش که توسط دارودسته رژیم مزدور و دست‌نشانده خلق‌وپرچم در دهه‌های پنجاه و شصت خورشیدی به‌قتل رسیدند، دور هم جمع شده‌ایم. اینک یاد آن مبارزین و پیشکسوتان جنبش انقلابی مائوئیستی کشور را گرامی می‌داریم و لحظه‌ای با مشت‌های گره‌کرده همه‌باهم به‌یاد آن کمونیست‌های راستین که زندگی‌شان را برای مردم فدا کردند به‌پا می‌خزیم و دقیقه‌ای را در غم جانکاه آن‌ها سکوت اختیار می‌کنیم.

*** [یک دقیقه سکوت] ***

یاد شادن همیشه جاویدان و راه سرخ شان همواره پر رهرو باد!

تشکر از احساس همدردی و غمشریکی شما دوستان و رفقای مهربان.

حضار گرامی من با پخش آهنگ «تمنا»؛ ساخته پرویز مشکاتیان برنامه خود را ادامه می‌دهم.

*** [پخش سنتور] ***

ادامه برنامه و دکلمه شعر توسط گراندۀ برنامه:

اینک اینک باز اندر صبحگاهی

این چنین روشن

خلق تاریخ آفرینش

انقلاب توده شاهین مزاج تیزبینش

مست و توفان خیز می‌آید به پیش

می‌زداید از رخ او گرد حرمان

باز می‌جوشد هریوا

باز می‌جنبد هریوا

باز می‌جوشد هریوا

حالا از رفیق از شکل سازمان انقلابی اتریش می‌خواهم که روی صحنه بیاید و با شما همصحبت شود. به افتخار رفیق ما کف بزنید:

Liebe Genossinnen und Genossen,

Freundinnen und Freunde!

Ich bedanke mich im Namen meiner Organisation ganz herzlich, dass ihr uns die Möglichkeit einräumt, hier eine Rede zu halten. Das ist eine große Ehre für uns und wir wissen diese Möglichkeit als Akt des proletarischen Internationalismus hoch zu schätzen.

Am 4. Oktober 1965, vor 50 Jahren, gründete sich in Afghanistan die Progressive Jugendorganisation. Sie stand auf den Grundlagen des Antirevisionismus, des Antiimperialismus und war gegen alles Reaktionäre und Faschistische gerichtet. Ideologisch geführt wurde sie durch den Marxismus-Leninismus-Mao-Zedong-Ideen, was damals die korrekte Ideologie des internationalen Proletariats war.

Rasch entwickelte sich die Progressive Jugendorganisation (PJO) nicht nur inhaltlich, sondern auch in der Breite weiter und konnte somit zunehmend die Massen organisieren. Die PJO organisierte zunehmend Intellektuelle, Schriftsteller, Arbeiterinnen und Arbeiter, Frauen, etc. Die PJO wurde so zu zur ersten Organisation der KommunistInnen und RevolutionärInnen in der zweiten Hälfte des 20. Jahrhunderts in Afghanistan. Und das alles geschah unter der Führung des Genossen Akram Yari!

Die PJO war von Beginn an der neudemokratischen und kommunistischen Bewegung in Afghanistan verpflichtet. Sie begann, sich inhaltlich immer stärker mit prinzipiellen Fragen auseinanderzusetzen und so wurde 1967 das Organ „Sholajawid“ herausgegeben. Die Sholajawid ist ein wichtiger Beweis dafür, dass es im ideologischen Kampf auf die Qualität und nicht die Anzahl ankommt, denn es konnten wegen Repression und Verfolgung nur

elf Nummern der Zeitung erscheinen - dennoch sollte sie noch eine große Rolle spielen und beeinflusste die Kommunistinnen und Kommunisten Afghansistans nachhaltig.

Verschiedene Mängel in der Arbeit der PJO führten 1968 zu vielen Rückschlägen, zu Verhaftungen, Hinrichtungen und Spaltungen. In diesem Rahmen entwickelte sich auch der Linienkampf zunehmend stärker und heftiger. Die revolutionäre, rote Linie des Genossen Akram Yari gegen die schwarze Linie der Kapitulanten und Verräter. Trotz dieser intensiven Kämpfe, in denen auch die rote Linie wuchs und sich stärkte, konnte die Organisation als Ganzes sich erst viel später erholen, zuvor aber trat sie noch in eine Periode der Schwäche, welche in den 1970er Jahren begann und erst in den 1980ern überwunden werden konnte. Deshalb war es den afghanischen Kommunistinnen und Kommunisten auch nicht möglich die beiden faschistischen Putsche, unterstützt von der sozialimperialistischen und sozialfaschistischen Sowjetunion, in den Jahren 1972 und 1978 zu verhindern.

Die 1980er Jahre brachten weltweit überaus günstige Konditionen für die revolutionären und kommunistischen Kräfte mit sich. Diese günstigen internatinalen Bedingungen drückten sich unter anderem aus in der Gründung der Revolutionären Internationalistischen Bewegung (RIM), die trotz all ihrer allgemeinen Mängel einen wichtigen Fortschritt darstellte und deren rote Linie mit großartigen Ereignissen wie dem Volkskrieg in Peru repräsentiert war. Die afghanischen Genossinnen und Genossen beteiligten sich schon sehr bald an der RIM, was die Reorganisation der KommunistInnen in Afghanistan begünstigte und es ermöglichte, die Defätisten, Revisionisten und Verräter zu schlagen, die sich während der Zeit der Schwäche eingenistet hatten. Diesen langen und beschwerlichen Weg konnten die afghanischen KommunistInnen und ihre Partei,

die Kommunistische (maoistische) Partei Afghanistans, deshalb beschreiten, weil sie sich dabei auf Akram Yaris Linie stützen und auf die politisch-ideologischen Positionen der elf historischen Nummern der Sholajawid aufbauen konnten!

Wie es in verschiedenen jüngeren Dokumenten nachzulesen ist, sieht die Kommunistische (maoistische) Partei Afghanistans ihre heutige Hauptaufgabe darin, den Volkskrieg in Afghanistan zu entwickeln, mit dem Ziel der nationalen Befreiung der der Zerschlagung der Besatzung und all ihrer Helfer. Wir meinen, dass dieser Festlegung der wichtigsten Aufgabe unter den konkreten Verhältnissen zuzustimmen ist. Nicht nur in Afghanistan verlangen die allgemeinen Verhältnisse nach einer korrekten Entwicklung des Volkskriegs, sondern der Marxismus-Leninismus-Maoismus, hauptsächlich Maoismus, verlang von allen KommunistInnen, egal in welchem Land sie leben, die Universalität des Volkskriegs anzuerkennen, ihn für die jeweiligen Verhältnisse im Land konkret zu entwickeln und zur Anwendung zu bringen.

Unserer Meinung nach haben die im Ausland lebenden SympathisantInnen der Kommunistischen (maoistischen) Partei Afghanistans Aufgaben, die sehr eng mit den Aufgaben in Afghanistan selbst zusammenhängen und nicht voneinander zu trennen sind. Wir leben hier in Österreich, einem imperialistischen Land in der EU, welche wiederum im Wesentlichen unter der deutsch-französischen Hegemonie steht. Das bedeutet, dass wir im Hinterland des Imperialismus leben. Der Imperialismus zerstört und vergewaltigt Afghanistan und das afghanische Volk tagtäglich. Wir leben hier im Herzen der Bestie und es liegt in unserer Verantwortung, dem Imperialismus in seinen „eigenen Ländern“ keine ruhige Minute zu gönnen. Den revolutionär-demokratischen Kampf im Dienste der Revolution hier zu entwickeln, schwächt den Imperialismus

und hilft somit den kommunistischen, revolutionären und allen antiimperialistischen Kräften in Afghanistan.

Genossinnen und Genossen, Freundinnen und Freunde – gemeinsam haben wir schon einige wichtige Schritte getan, um diese Aufgaben zu entwickeln und zu bewältigen, und das ist sehr gut so. Doch stehen ebenso noch viele wichtige ungelöste Aufgaben vor uns, die wir im Dienst des proletarischen Internationalismus lösen müssen und nur mit der gemeinsamen weiteren Entwicklung des revolutionär-demokratischen Kampfes werden lösen können. Beispiele die sich dabei unserer Meinung nach stellen sind:

- 1) Entwickeln wir noch umfassendere Aktivitäten gegen den verfluchten Imperialismus und den imperialistischen Krieg!**
- 2) Fördern wir gemeinsam und mit vollem Einsatz den antifaschistischen Kampf, den Kampf gegen den zunehmend offeneren Faschismus als eine der wichtigsten Kampffronten in den imperialistischen Ländern.**
- 3) Erhöhen und verbreitern wir unseren Einfluss innerhalb der Massen und organisieren wir die Massen stärker als bisher!**

Wir sind uns sicher, dass wir damit einige Punkte benannt haben, woran sich unser gemeinsamer Kampf weiter entwickeln lässt und woran wir auch gemeinsam weiter wachsen werden. Wir sind zuversichtlich, dass wir mit euch GenossInnen und FreundInnen, Schulter an Schulter vorangehend diese Aufgaben lösen können!

Es lebe der 50. Gründungstag!

Es lebe die Kommunistische (maoistische) Partei Afghanistans!

Hoch das Andenken Akram Yaris!

Hoch die internationale Solidarität!

«Revolutionärer Aufbau «A»

تشکر از ابراز همبستگی رفیق ما

مهمانان گرامی حالا از رفیق... می‌خواهم که پیام اتحادیه ملی و دموکرات افغان‌ها مقیم اتریش را برای شما بخواند، زیرا مدیر مسئول اتحادیه نسبت به مریضی‌ای که دارد مدت یک ماه زیر درمان ویژه قرار دارد و متأسفانه نمی‌تواند که در این محفل حضور یابد. ما برایشان شفای عاجل می‌خواهیم و واقعاً امشب جای‌شان در بین ما خالی است. به افتخار رفیق ما که پیام ایشان را می‌خواند لطفاً کف بزنید:

پیام اتحادیه ملی و دموکرات افغان‌ها مقیم اتریش (حریت)

با کمال تأسف باید گفت که نسبت بالابودن سن و حوادث طبی‌ای که خارج از فشارهای اجتماعی نیست، مرا مجبور به تسلیمی به دکتر معالجم نمود. حوادث پیه‌م مرا از شرکت در این محفل محروم و بی‌نصیب ساخت، ولی بودن چنین فشارهای صحتی جسم مرا از این محفل، دور داشته‌است، نه روح و احساس مرا. در این لحظه خودم را در کنار شما عزیزان احساس می‌کنم و با تقدیم گرم‌ترین و صمیمانه‌ترین احترامات، شرکت شما عزیزان را در محفل برگزاری روز جانباختگان جنبش مائوئیستی کشور خیر مقدم می‌گویم.

طبق برنامه قبلی، اینک باز در سوگ جانباختگان و کوهپایه‌های انقلابی شعله جاوید دور هم نشستیم و یاد خاموشی ستاره‌های درخشان انقلابی که توسط خیره‌سرن ضد انقلابی و تشنگان خون مردم افغانستان به پای مرگ کشانده شدند، امروز از آن عزیزان به‌حیث راه‌گشایان اصیل انقلابی یاد می‌کنیم.

هدف از یادآوری چنین حادثه خونین فقط به این خاتمه نمی‌یابد که ما از همسنگران مان به‌حیث قربانیان راه آزادی و انقلاب نام ببریم. در تجلیل این روز، دلایل گوناگونی موجود است که یکی آن‌ها در واقع بخش روشنگری و توضیح از رسالت خود مان در برابر نسل جوان کنونی گنجانیده می‌شود که سالیانه به‌عنوان پربهاترین وظیفه به انجام آن باید مبادرت ورزید.

بله حاضرین محترم!

پس از کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ مطابق ۲۷ اپریل ۱۹۷۸، با تجاوز عریان رویونیست‌های روسی و دست‌پروردگان خلقی و پرچمی، طوفان عظیم از آتش و خصومت علیه توده‌های عظیم کشور ما بر پا شد و این طوفان آنچنان به‌سرعت در تاخت‌وتاز بود که گویا این آتش و خون از اصل پیدایش آن تا کنون به‌عقب‌نگاه‌کردن را بلد نیست. عده‌ای از نیروهای

ملی-آزادبخش و انقلابی جهت ساقطساختن و جلوگیری از بلعیدن انسان‌های بیگناه به‌پا خواستند و نمی‌گذاشتند که آشیانه توده‌های عظیم کشور طعمه حریق گداخته‌شده مزدوران رویزیونیستی روسی گردند، ولی این نیروی که فاقد هر گونه سلاح گرم بود و در این جنگ نابرابر با یگانه سلاح که چیزی به جز قلم و تبلیغات نبود، پرداخت. این سربازان و سرسپردگان توده‌بی تا آنجا به مبارزه آزادی‌طلبانه ادامه دادند که با از دست‌دادن نیروی انسانی، رفته رفته روند آن‌ها به‌کندی گرایید، اما وجدان‌های پاک و زنده سیاسی-انقلابی و آزادی‌طلبانه، سکوت نمودن این تحرک را به آن‌ها تجویز نمی‌کرد.

آینده در خشان سالم‌بودن ایدئولوژیک و عمل انقلابی، پیام صبح روشن را در پشت در فردا به ارمان می‌آورد و آنچنان به شعله‌ی‌ها نیرو می‌بخشید که اگر با خزیدن روی سینه هم که شده بود، به طوفانی که انگار هرگز از خون انقلابیون و آزادی‌طلبان سیراب نمی‌شد، آرام ننشینند.

از آنجائی که حقایق عینی به‌سطح جهانی نشان می‌داد، نیروی بیرونی این نوکرفتات و دست‌پروردگان خلق و پرچم را چشم‌وگوش‌بسته در برابر حفظ حاکمیت خود قرار داده بود و خلق و پرچم حاضر بودند که علیه ملت در خدمت رویزیونیسم روسی به هرگونه جنایت دست بزنند. این جنایت‌پیشگان خلقی و پرجمی تا آنجا به‌دربوسی باداران‌شان ادامه دادند که حتی ببرک کارمل در آخرین رمق زندگی، جان‌سپردنش را هم به درگاه کرملین رسانید. آتش‌افروزان و رویزیونیست‌های داخلی که بار افروختن این آتش را متعهد شده بودند، هیچ‌گونه عمل را بدون مجاز باداران‌شان خودسرانه نمی‌توانستند انجام دهند. روس‌ها هم برای تطبیق نقشه‌های استعماری‌شان، هر گونه کمک‌های مالی و تسلیحاتی را در اختیار خلق و پرچم قرار داده بودند و این چنین کمک‌ها، خود نیروی بود که از عقب به این آتش دامن می‌زد و آن را سوزنده‌تر و جرئت‌بلعیدن طعمه بیشتری را ارزانی می‌داشت.

دوستان و حاضرین گرانقدر!

اگر منظور ما بیان حقیقت باشد، باید فراموش نکنیم که در این اوضاع خون و آتش به‌غیر از مبارزین راستین خلق یعنی (شعله‌ی‌ها)، نیروهای دیگری نبود که باور کامل به نیروی خلق و سنگر ضد ارتجاع و ضد استعمار داشته‌باشد. همین امر سبب گردید که همه نیروهای ارتجاعی حاضر در صحنه علاوه بر آنکه دارای دیدگاه‌های متغایر بودند و به کشورهای مختلفی هم تعلق داشتند، ناگزیر وجه مشترکی را در برابر شعله‌ی‌ها اتخاذ کنند و هر کدام به‌سهم خود ضربات سنیگینی به جریان شعله جاوید وارد کنند که شاعری در این باب می‌گوید:

کاندرو بحری است بی‌پایان و سر

این گذر از نقش خم و رخم نگر

بله حاضرین محترم!

سازمان جوانان مترقی یعنی (جریان شعله جاوید) بر علاوه آنکه تا آخرین لحظه در حالت سازمانی به سر می برد، با آنهم احزاب ارتجاعی حاضر در صحنه آنچنان از شعله‌یی‌ها هراس داشتند که هستی خود را فقط در نابودی این جریان می دانستند. همین ترس و وا همه از سرنگونی حاکمیت، نتنها احزاب خلق و پرچم را که حتی با داران شان را در کرملین وا داشت تا گرگ صفتانه نخستین ضربات ستمگرانه شان را علیه جریان شعله جاوید در سرلوحه خونین خود قرار دهند.

دوستان گرامی و حاضرین این محفل!

عمل انقلابی رهبری شعله جاوید که بر پایه‌های اندیشه نجاتبخش مارکسیستی - لنینیستی مائوئیستی استوار بود، این تشکل را از سایر تشکیلات‌های دیگر متمایز می ساخت. این جریان که در کوتاه‌ترین مدت توجه توده‌های تحت ستم را به خود جلب کرده بود همانا استواری بر اندیشه و صداقت انقلابی رهبری این جریان بود. جریانی که به رهبری اکرم یاری، این فرزند صادق و پابند اندیشه انقلابی مائوئیستی عرض اندام کرد و به آن جان داد و شعله جاوید همین اکنون از فیض رهنمونی این فرزند رزمنده خلق بر علاوه آنکه حدود بیست هزار قربانی داده است، آنچنان پابرجاست که توگویی هیچ حادثه بر پیکر آن نرسیده است.

امروز به پاس قربانیان راه آزادی، از آن عزیزان به خون خفته راه خلق به نیکنامی یاد می کنیم. امیدواریم که طبقه جوان ما علم انقلابی را که آن‌ها تا آخرین قطره خون خود به زمین نگذاشتند، بدوش گیرند و علیه هر نوع نابسامانی جامعه پا به میدان مبارزه بگذارند.

مستحکم باد پایه‌های وحدت انقلابی حزب کمونیست مائوئیست افغانستان!

شرکت جوانان ما در راه مبارزه آزادی طلبانه و انقلابی الزامی خواهد بود!

به پیش به سوی وحدت نسل جوان در سنگر مبارزه علیه فاشیزم، رویزیونیسم و امپریالیسم!

پیروز باد فعالیت‌های خستگی ناپذیر سیاسی و انقلابی نیروهای کمونیست و مائوئیست افغانستان

«اتحادیه پناهندگان ملی و دموکرات افغان‌های مقیم اتریش (حریت)»

۲۸ / ۱۱ / ۲۰۱۵ م

حالا از خانم ... یک تن از هوداران حزب می خواهیم که روی صحنه بیاید و شعری را که مدنظر دارد برای شما بخواند. به افتخارشان کف بزنید:

دکلمه خانم ... یک تن از هوداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

ز ابر تیره، باران خواهد آمد

چه باران، آبشاران خواهد آمد

بشوید خارو خس را از درودشت

صفای سبزه زاران، خواهد آمد

به کام تشنگان پرتکاپو

زالال چشمه ساران، خواهد آمد

مزن فریاد ای مرغ شب آهنگ!

چه سود از نغمه، گر دل را کند تنگ

سحر گاهان به گلزار شکوفان

پرستوی بهاران، خواهد آمد

کبوتر نامه زرین به منقار

ز اوج کوهساران، خواهد آمد

غم هجران نماند جاویدانه
 زمان وصل یاران خواهد آمد
 ز پای تپه تقدیر بر خیز
 فراز قلّه با تندر در آمیز
 که بر این دشت خواب آلود خاموش
 هیاهوی سواران، خواهد آمد
 تلاش آنکه در ره، جان فدا کرد
 به یاد رهسپاران، خواهد آمد
 نخستین پرتو صبح طلایی
 سوی شبزنده داران، خواهد آمد
 زمان، شور و تکاپو آفرین است
 هزاران راه نو، روی زمین است
 و قرن آبستن نظم نوین است
 چه خرم روزگاران خواهد آمد

«شعر ژاله اصفهانی»

حضار محترم از رفیق... یک تن از فعالین چپ ایرانی در وین خواهش می‌کنم که روی صحنه بیاید و با ما هم صحبت شود. به افتخارشان لطفاً کف بزنید:

متن سخنرانی رفیق... یک تن از فعالین چپ ایرانی در وین

رفقای عزیز و حضار گرامی!

با عرض سلام و تهنیت به شما و نیز تشکر از برگزارکنندگان این جلسه پرشور و انقلابی، خوشحالم که در کنار شما هستم و این امکان را یافته‌ام که در این روز تاریخی پیام و احساس همبستگی مبارزاتی‌ام را با شما در میان بگذارم. آنچه که ما را امروز در کنار هم قرار داده‌است، یادبود از واقعه مهم و تاریخی در کشاکش انقلاب و ضد انقلاب در حیات سیاسی کشور همسایه‌مان افغانستان است. پنجاه سال پیش پیشروان انقلابی خلق‌های افغانستان توانستند بعد از یک دوره رکود و خمود و نبود یک سازمان انقلابی و کمونیستی، مبارزات مردم را به سمت دشمن اصلی که همانا سلطه امپریالیسم و ارتجاع وابسته به آن است، رهنمون گردانند. این خلاء سیاسی بالاخره در سال ۱۳۴۴ با همت کمونیست‌های کبیری همچون اکرم یاری و همزمانش پرشد و بدین‌گونه (سازمان جوانان مترقی افغانستان) تولد یافت.

این تشکیلات که مبتنی بر خطومشی علمی، ضد ارتجاعی، ضد رویزیونیستی و ضد امپریالیستی بنا شده‌بود، توانست (جنبش دمکراتیک نوین افغانستان) را پی‌ریزی نماید. جنبشی که از آن اخگرهای <شعله جاوید-نشریه این سازمان> که مبشر آگاهی کمونیستی-انقلابی درون زحمتکشان و محرومین جامعه بود زبانه کشید. دست‌آوردهای که این جنبش از خود به‌جای گذاشت، بعد از گذشت حتی چندین دهه هنوز هم بر درفش کمونیست‌های افغانستان و تمامی آنهاست که برای رهایی ملی و عدالت اجتماعی و بالاخره آزادی اقتصادی کار از یوغ سرمایه می‌جنگند، می‌درخشند و مهم اینک اصول اساسی این جنبش از چنان اصالت و پویایی انقلابی برخوردار است که امروز هم قطب‌نمای کمونیست‌ها و مبارزین واقعی راه رهایی ملی و سوسیالیزم است.

رفقا ودوستان عزیز!

در تاریخ مبارزاتی هر ملتی روزهای وجود دارند که همواره در شعور و ذهن توده‌ها ماندگار اند، چون این رخدادها ریشه در زندگی توده‌ها داشته و بیان‌کننده آرزوها و امیال سرکوفت‌شده آن‌هاست. توده‌های تحت ستم شرایط عینی سرکوب و استثمار را با گوشت و خون خود لمس می‌کنند و خواهان تغییر شرایط اسفبار موجود اند. از درون همین شرایط و کشاکش طبقاتی است که عنصر آگاهی سر بلند می‌کند و خود را به‌اشکال مختلف مبارزاتی، فلسفی، اقتصادی و سیاسی به‌صحنه اجتماعی می‌کشانند. زایش نیروهای همچون «سازمان جوانان مترقی افغانستان» و تکامل آن به «جنبش نوین دمکراتیک افغانستان» در سطح سیاسی حاصل این کنش و واکنش است که در بطن جامعه در جریان است و توسط فرزندان انقلابی خلق با اتکاء به کمونیسم علمی کشف و به‌مثابه عنصر ذهنی آگاه سیر تحولات را در جهت منافع واقعی و نه کاذب توده‌ها هدایت می‌کند. سازمانی که توسط رفیق انقلابی اکرم یاری و یارانش بنا شد، ثمره این نبرد طبقاتی بین سرکوب‌شدگان و سرکوب‌گران است. به‌همین خاطر با گذشت چندین دهه، هنوز هم در جان و روان توده‌ها خانه داشته و آموزش‌ها و تجارب انقلابی آن چراغ راه مبارزین امروز است.

رفقا و دوستان گرامی!

بزرگداشت این روزهای مهم تاریخی را نباید صرفاً به یک مراسم یادبود که می‌بایست هر ساله و در تاریخی معین برگزار شود، خلاصه نمود، بلکه باید آموزش و تجارب انقلابی عزیزانی نظیر اکرم یاری‌ها و رهروانش و نیز تحولات درونی سازمان را در پرتو مسائل و مشکلات مبارزاتی امروز، مورد بحث و گفت‌وگو قرارداد و به عمل سیاسی کشاند، چون تنها با نقد انقلابی مبارزات گذشته و شفافیت بخشیدن به هسته‌های انقلابی آن در پراتیک اجتماعی می‌توان به خواسته‌های امروز توده‌ها و تاراندن انقلاب به جلو، جواب داد. طبیعی است که این رویکرد نمی‌تواند از نوع اپورتونیستی و رویزیونیستی همراهان گذشته و تسلیم‌طلبان امروز و یا خائینی همچون دارودسته خلق و پرچم باشد که با

کودتای هفت سور ۱۳۵۷ کشور را به اشغالگران سوسیال امپریالیسم شوروی در آوردند، مبرا باشد، بلکه برعکس نقدی زنده و جانبدار مبتنی بر تحلیل مشخص از شرایط اقتصادی و اجتماعی امروز، آرایش طبقاتی و رابطه آن‌ها با حاکمیت و امپریالیسم و روشن کردن صف خلق و ضد خلق ارائه دهد. در ایران ما هم با این پدیده شوم و نفوذ آن درون سازمان‌های انقلابی روبه‌رو بوده‌ایم. به‌عنوان مثال در سال‌هایی ۵۶ و ۵۷ که موقعیت انقلابی در ایران حاکم بود و توده‌ها رژیم ستم‌شاهی را زیر ضربات خود داشتند، این جریانات با نفوذ خزنده درون سازمان چریک‌های خلق و تهی کردن آن از محتوای انقلابی، جنبش کمونیستی و دمکراتیک ایران را از یک سازمان رزمنده کمونیستی محروم کردند و با سازش با رژیم وابسته به امپریالیسم، جمهوری اسلامی جنبش مردمی - کارگری ایران را به مسلخ ارتجاع امپریالیستی کشاندند. حزب توده و "اکثریت" فدائیان و... اشکال بارز این خیانت و ارتداد بودند و هنوز هم به در یوزگی سیاسی خود در بارگاه امپریالیسم و ارتجاع وابسته به آن ادامه می‌دهند. پنداری خام خواهد بود که گمان کنیم که این جریانات از نظر تاریخی مرده‌اند، تا زمانیکه نظام سرمایه‌داری وجود دارد، عارضه‌های توأم به آن همچون رویزیونیسم و فرصت‌طلبی وجود خواهد داشت. چنین جریاناتی حتی به اشکال و نام‌های دیگر می‌توانند همواره باز تولید شوند و همانند گذشته ضربات مهلکی بر جنبش وارد آورند. بنابراین یکی از وظایف عمده ما در کنار مبارزه قاطعانه علیه امپریالیسم و نوکران بومی آن، مبارزه قاطعانه ایدئولوژیک و نفی و طرد این دشمن درونی است.

دوستان گرامی، رفقای عزیز!

خلق‌های افغانستان و ایران، گذشته از داشتن تاریخ، فرهنگ و مرز مشترک، حداقل در یک قرن و نیم گذشته با دشمن مشترکی هم روبه‌رو بوده‌اند. خلق‌های این دو کشور همواره در زیر مناسبات استعماری و نواستعماری قرار داشته و به اشکال مختلف برای رهایی و آزادی خود، مبارزه و جانفشانی کرده‌اند. در شرایط فعلی ما با دشمنی روبه‌رو هستیم که برای مقابله با انقلاب کارگران و زحمتکشان، می‌کوشد نظم نوین امپریالیستی خود را با تمامی قدرت اقتصادی، نظامی و سیاسی به‌خصوص در منطقه خاورمیانه مرکزی و دوروز نزدیک با اتکاء به سیاه‌ترین نیروهای ارتجاعی همانند طالبان، کرزی و غنی و دسته‌جات مزدور

دیگر در افغانستان و یا به شکل جمهوری اسلامی در ایران و بالاخره جهادبست‌ها، از جمله خلافت اسلامی (ISIS) در سوریه و... پیاده نماید. امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا برای پیشبرد اهداف استراتژیک خود - ایجاد خاورمیانه بزرگ - به مثابه حیات خلوت، جهت غارت و استثمار منابع مادی و معنوی این منطقه و فایق آمدن بر بحران‌های ساختاری خود جنگ و نظامی‌گری را به سیاست اصلی خود تبدیل کرده است که خلق‌های محروم و تحت‌ستم به خصوص افغانستان، از قربانیان اصلی آن هستند. روان‌شدن سیل پناهنده به خارج نتیجه این سیاست نواسعماری و جنگ‌طلبانه است که دولت‌های امپریالیستی به دروغ برای آن‌ها اشک تمساح می‌ریزند، بدون آنکه از عاملان اصلی که خود آن‌ها هستند نام ببرند. سرمایه‌داری جهانی همواره کوشیده است، این ملت‌ها را به انقیاد خود در آورده و مبارزات آزادی‌خواهانه و رهایی‌بخش آن‌ها را با مداخله نظامی و یا توسط ایادی درونیش سرکوب نماید. در ایران هم عملکرد این دشمن مشترک را با پوست و گوشت خود لمس می‌کنیم. جمهوری اسلامی که به مردم ایران تحمیل شده است، نمونه بارزی از این ترفندها و دیکتات امپریالیستی است. این رژیم در واقع حاصل تعرض ضد انقلاب امپریالیستی به جنبش انقلابی مردمی - کارگری ایران بود، جنبشی که بعد از یک دوران سکون و خمودی بعد از کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد با تمام قدرت انقلاب مسلحانه را در دهه ۴۰ علیه امپریالیسم و رژیم وابسته شاه تدارک دید و در ۱۹ بهمن سال ۴۹ توسط چریک‌های فدایی خلق در سیاهکل نبرد مسلحانه را آغاز کرد، جنبشی که در سیر طرح و تثبیت خود در سال‌های ۵۵ و ۵۶ با انرژی سرکوفت‌شده تودها که حال آزاد شده بود درهم آمیخت و به صورت توده‌یی عرصه اجتماعی را دربر گرفت و سلطه امپریالیسم و رژیم شاهنشاهی را به مبارزه طلبید. قیام ۲۱ و ۲۲ بهمن سال ۵۷ نقطه اوج این مبارزات بود که متأسفانه به دلیل نبود یک برنامه و سازمان انقلابی، امپریالیست‌ها توانستند قدرت سیاسی را به نفع خود مصادره کرده و تعویض رژیم شاهنشاهی را به رژیم جمهوری اسلامی جامه عمل ببوشانند. تحولات سیاسی این دوره از مبارزات مردم ایران نمونه بارزی از به کارگیری اسلام سیاسی برای به کجراه‌کشاندن انقلاب و سپس سرکوب خونین آن بود. سیاستی که تا به امروز با توجه به شرایط کشورهای مختلف در قالب انقلابات "مخملی و یا بهار عربی" به پیش برده می‌شود. علاوه کشتار و شکنجه و بند و شکنجه

و سنکساری که رژیم جمهوری اسلامی در طول این سال‌ها از مبارزین، کمونیست‌ها و آزادیخواهان کشور به‌راه انداخته‌است و تمام حقوق دمکراتیک مردم و کارگران ایران را پایمال می‌کند، به‌جاست که از سیاست‌های به‌غایت راسیستی رژیم جمهوری اسلامی علیه مهاجرین، پناهندگان و کارگران خارجی به‌خصوص خواهان و برادران افغانی‌مان در ایران یادآوری و آن را محکوم کرده و قاطعانه با هر گونه عظمت‌طلبی ایرانی و رفتار نژادپرستانه آن مبارزه نماییم.

تمامی این واقعیات نشان می‌دهد که برای مقابله با امپریالیسم و ایادی داخلی‌اش، تنها و تنها یک راه وجود دارد و آنهم پیش‌بردن انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی با سمت‌گیری سوسیالیستی‌است. انقلابی که تنها در بستر مبارزه مسلحانه با هدف سرنگونی سلطه امپریالیسم قابل تحقق است. امری که اتحاد و مبارزه مشترک خلق‌های در بند، یکی از شروط پیروزی آن است. پیام‌مان را با این گفته دایمانه پایان می‌دهیم:

"قدم اول هر راه سترگ با شکست هم‌نفس است. درس گیریم از این جانبازان، واژگون گردانیم قصر فرعونى ضحاک زمان..."

گرامی باد یاد تمامی جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم! راه‌شان جاویدان و پررهرو باد!

مرگ بر امپریالیسم و سگان زنجیری‌اش! زنده باد انقلاب!

زنده باد اتحاد خلق‌های افغانستان و ایران!

مستحکم باد همبستگی بین‌المللی!

«یکی از فعالین چپ در وین - اتریش»

دکلمه شعر توسط گرداننده بر نامه

مشق خون

خیز ای خلق کبیر!

خیز ای موج خروشنده پیکار سترگ!

که اجیران ستم

پاسبانان دژ استبداد

دشنه وحشت و کین آغشتند

آزمندانه به خون

— خون فرزند وطن

خون فرزند ستمدیده این مرز کهن،

خیز ای خلق کبیر!

خیز ای خالق رزمنده دوران نوین!

که جوانان ستیزنده تو

پرچم سرخ نبرد اندر کف

حمله ور بر صف بیدادگران

می ستیزند به فرمان زمان

صحن پیکار جوان

شده آغشته به خون

— خون گلرنگ شهیدان دلیر

کشتگان ستم و مکر امیر، —

خیز ای خلق کبیرا!
 خیز ای شعله قهر و عصیان!
 کاخ ضحاک زمان آتش زن
 نیک بنگر که جوانان غیور
 جامه رزم به بر
 باز در دفتر حماسه تو
 با خطی سرخ به خون بنوشتند:
 «— مرگ بر اهرمن استبداد!
 دیر یا نیست شب تیره غم
 می رسد نوبت فردای سپید
 ننگ بر خنجر خونبار ستم!»
 «رستاخیز»

حضار گرامی اکنون از رفیق ... می خواهیم که روی صحنه باید و پیام یک تن از هواداران حزب را که از استرالیا برای ما فرستاده است بخواند. به افتخارشان کف لطفا کف بزنید:

به یاد جانبختگان راه آزادی و برابری کشور!

باز هم هفتم قوس از راه رسیده است، روزی که رفیق اکرم یاری سی و شش سال قبل در برج قوس سال ۱۳۵۷ خورشیدی با صدها تن از یاران و جانبختگان راه آزادی و برابری جنبش انقلابی مائوئیستی توسط مزدوران رویونیست روسی در کشور کشته شدند. این رفقای جانبخته، پیشاهنگان واقعی پرولتار کشور و از ملیت های مختلف ساکن این وطن بودند، این ها مسلح به مل م، علم پویای رهایی بخش و نجاتبخش طبقه کارگر بودند و مبارزه فعال سیاسی-ایدئولوژیک را علیه حکومت مستبد داوودخانی، نمایندگان رویونیسم

خلق و پرچم، سوسیال امپریالیزم شوروی، امپریالیزم غرب و ارتجاع منطقه پیش می‌بردند.

به هر صورت رفیق جانباخته اکرم یاری، پایه‌گذار جنبش مارکسیستی-لنینیستی - مائونیستی افغانستان بود و رسالت تاریخی‌اش را برای رهایی کارگران، زحمتکشان و توده‌های ستم‌دیده ادا می‌کرد.

از این لحاظ آشکارا خود را ادامه‌دهنده و تکامل‌دهنده خطی می‌دانیم که رفیق اکرم یاری به‌حیث پایه‌گذار جنبش م-ل-م افغانستان مطرح کرد و افتخار داریم که خود را از رهروان‌شان بدانیم.

همچنان وظیفه خود می‌دانیم که از نقش تاریخی اکرم یاری، به‌حیث اولین پیشگام جنبش کمونیستی مائونیستی افغانستان تقدیر ویژه به‌عمل آوریم. رفیق اکرم یاری و سایر رفقای هم‌زمش حق بزرگ به گردن ما، نسل ما، عصر ما، تاریخ ما و زمان ما دارند. این حق را فقط می‌توان با ادامه‌دادن و با پیروزی‌رساندن آرمان والای کمونیستی در کشور متحقق ساخت. در اخیر با غرور راستین پرولتری فریاد می‌زنیم که یادشان گرامی و راه سرخ‌شان همواره پررهرو و جاویدان باد!

«انور، یکی از هوداران ح ک (م) از استرالیا»

۲۰۱۵/۱۱/۲۸

حضار گرامی جبهه ملی دموکراتیک فلیپین و حلقه انقلابی امریکای لاتین نتوانستند سهم بگیرند با وجودیکه وعده محکم داده بودند. بنا بر آن من بخش اول برنامه را ختم می‌کنم و به‌بخش دوم برنامه خود را که بخش موسیقی‌است آغاز می‌کنم و از رفیق .. خواهش می‌کنم که دوستان هنرمند را برای شما معرفی کند.

معرفی هنرمندان توسط رفیق ادامه موسیقی برای یک ساعت. وقفه برای صرف نان و بعد ادامه موسیقی. ختم محفل ساعت ۱۲ شب.

«کمیته برگزاری هفت قوس، هوداران ح ک (م) ا در اتریش»

۷ قوس ۱۳۹۴ خ



منتشر شده در سایت شعله جاوید / بخش هواداران حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان

www.sholajawid.org

sholajawid2@hotmail.com